حادثه‌ها

عقاب در حیاط ساختمان مسکونی به تله افتاد

● **شرق:** عقابی که با ورود به حیاط ساختمان مسکونی، موجب ترس و نگرانی ساکنان شده بود، با تلاش نیروهای آتش‌نشانی به دام افتاد.

در پی تماس ساکنان یک ساختمان مسکونی با سامانه ۱۲۵ و اعلام گزارشی مبنی بر ورود یک پرنده شکاری به حیاط ساختمان مسکونی، بلافاصله آتش‌نشانان ایستگاه ۱۳۱ با هماهنگی ستاد فرماندهی سازمان آتش‌نشانی تهران، ساعت ۱۸:۰۴ روز سه‌شنبه، خود را به بلوار ارتش، شهرک لاله کوچه شقایق رساندند.

امیر گنجی فرمانده نیروهای آتش‌نشانی درباره این حادثه گفت: یک بهله عقاب وارد حیاط یک ساختمان مسکونی شده و ترس، وحشت و نگرانی ساکنان را در پی داشت.

وی افزود: آتش‌نشانان بی‌درنگ با به‌کارگیری تجهیزات مخصوص، عقاب عصبانی را به دام انداختند و به نگرانی اهالی ساختمان پایان دادند.

این فرمانده آتش‌نشانی در پایان گفت: پس از هماهنگی با مسئولان قسمت حیات وحش دارآباد، آتش‌نشانان پرنده شکاری را تحویل عوامل این مجموعه دادند.

ناکامی قاچاقچیان مسلح در انتقال ۲ تن مواد مخدر

● فرمانده انتظامی استان سیستان‌وبلوچستان از ناکامی قاچاقچیان مسلح در انتقال دوتن‌و ۵۷ کیلو مواد مخدر و توقیف دو دستگاه پژو خبر داد.

سردار «محمد قنبری» گفت: تیم‌های عملیات ویژه پلیس مبارزه با مواد مخدر استان سیستان‌وبلوچستان با یک‌سری کار گسترده اطلاعاتی یک باند حرفه‌ای قاچاق مواد مخدر را که به صورت مسلحانه و با استفاده از خودروهای تیزرو اقدام به انتقال مواد مخدر از مناطق مرزی سراوان به عمق استان می‌کردند، شناسایی کردند.

او افزود: پلیس مبارزه با مواد مخدر با رصد مداوم تحرکات اعضای این باند مسلحانه، سرانجام بامداد روز گذشته آنها را که با خودروهای پژو ۴۰۵ و پارس در حال جابه‌جایی محموله مواد افیونی در یکی از محورهای فرعی منتهی به شهر سراوان بودند، شناسایی کردند و تحت نظر قرار دادند.

این مقام انتظامی در استان سیستان‌وبلوچستان بیان کرد: عوامل انتظامی پس از طی مسافتی با قرارگرفتن قاچاقچیان در منطقه کمین به آنها دستور ایست دادند که سوداگران با تیراندازی به سمت آنها تغییر مسیر داده و با سرعت سرسام‌آوری با استفاده از تاریکی شب به سمت ارتفاعات منطقه متواری شدند.

سردار قنبری بیان کرد: ساعتی بعد تیم‌های عملیات ویژه پلیس مبارزه با مواد مخدر با پایش و مراقبت تمام محورهای مواصلاتی منطقه درگیری، مخفیگاه قاچاقچیان را در یکی از روستاهای همان محدوده شناسایی کردند و در عملیاتی حساب‌شده با هماهنگی مقام قضائی محل را به محاصره خود درآوردند.

این مقام انتظامی بیان کرد: سوداگران مرگ که خود را در معرض خطر دیده بودند قبل از حضور تکاوران پلیس متواری شدند که در این رابطه یک نفر از آنان قبل از فرار دستگیر و در بازرسی از منزل و خودروها در مجموع دو تن و ۵۷ کیلو و ۸۹۰ گرم مواد مخدر شامل یک تن و ۹۶۹ کیلو و ۳۴۰ گرم تریاک و ۸۸ کیلو و ۵۵۰ گرم حشیش کشف شد. او خاطرنشان کرد: با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده تلاش برای دستگیری دیگر اعضای متواری این باند ادامه دارد.

کلاهبردار ۴ میلیارد ریالی به کشور بازگردانده شد

● رئیس پلیس بین‌الملل ناجا از استرداد کلاهبردار متواری به کشور خبر داد و گفت: در کمتر از چهار ماه این کلاهبردار به کشور استرداد و به‌طور قانونی به مقامات قضائی تحویل شد.سردار هادی شیرزاد درباره نحوه این استرداد توضیح داد: درپی اعلام مقام قضائی کشور مبنی‌بر اینکه فردی متهم به کلاهبرداری به یکی از کشورهای منطقه متواری شده، پلیس بین‌الملل ناجا طی هماهنگی‌های لازم با مراجع مربوطه داخلی و خارجی متهم را به کشور مسترد کرد. او افزود: شاکی این پرونده، دختری ۱۱ ساله مبتلا به بیماری صعب‌العلاج دارد و به‌منظور تهیه داروی خارجی، مجبور به فروش منزل مسکونی خود شد. سپس در کانال تلگرام با فردی آشنا شد که داروهای خاص را تهیه و توزیع می‌کرد. شاکی، پس از تهیه دلار، از طریق یک صرافی مبلغ را به حساب اعلامی در آن کانال حواله کرد. او پس از پیگیری داروها متوجه شد، طرف مقابل نه تنها دارویی را تهیه نکرده بلکه از استرداد مبلغ نیز خودداری می‌کند.رئیس پلیس بین‌الملل ناجا افزود: با بررسی‌های انجام‌شده و استفاده از ظرفیت سازمان اینترپل، متهم بلافاصله در یکی از کشورهای منطقه ردیابی، شناسایی و حکم جلب بین‌المللی یا همان اعلان قرمز علیه او صادر شد و موضوع تحت تعقیب بین‌المللی متهم به اینترپل کشور محل اختفا نیز ارسال شد.سردار شیرزاد بیان کرد: با هدایت عملیاتی اداره تحقیقات جنایی پلیس بین‌الملل ناجا بر اساس اعلان قرمز صادره علیه متهم و همچنین رایزنی‌های پلیسی در کمتر از چهار ماه، این کلاهبردار به کشور استرداد و قانونی تحویل مقامات قضائی شد.

قصاص؛ فرجام سرقت مرگ‌بار از طلافروشی

شرق: دادگاه کیفری استان تهران مردی را که یک طلافروش را ربوده، به قتل رسانده و جسدش را مثله کرده بود تا دارایی‌اش را سرقت کند، به قصاص و حبس و شلاق محکوم کرد.

به گزارش خبرنگار ما، متهم که صاحب یک مصالح‌فروشی بود، در نقشه‌ای از پیش طراحی‌شده تصادف صوری ترتیب داد و مرد طلافروش را ربود.

خانواده مرد طلافروش یک سال قبل به مأموران پلیس خبر دادند او گم شده است. آنها به مأموران گفتند پدرشان هیچ اختلافی با کسی نداشت و روز حادثه قرار بود از محل کارش به خانه بیاید و در آخرین تماس هم گفته بود به سمت خانه حرکت کرده است اما بعد از آن دیگر تلفن همراهش را جواب نداد و ناپدید شد.

وقتی مأموران تحقیقات خود را آغاز کردند، فهمیدند مغازه طلافروشی این مرد سرقت شده است. بررسی‌ها نشان داد سارق با کلید وارد مغازه شده است، دوربین‌ها را از کار انداخته و مقدار زیادی طلا را که در گاوصندوق و ویترین بود، برداشته و متواری شده است. از آنجایی‌که دوربین‌های مداربسته از کار افتاده بود، کار برای مأموران کمی سخت شد. ساعاتی بعد مأموران خودروی مرد طلافروش را چند خیابان دورتر از محل کارش پیدا کردند.همه چیز نشان می‌داد مرد طلافروش قربانی یک سرقت مرگ‌بار شده است. ردیابی‌های پلیسی و بررسی دوربین‌های سطح شهر مأموران را به یک مرد مصالح‌فروش رساند که با مرد مفقودشده هم‌محلی بود و روز حادثه آن دو در خیابان با هم تصادف کرده بودند. وقتی مأموران سراغ این مرد رفتند او منکر همه چیز شد اما گفته‌هایش مأموران را قانع نکرد. به‌همین‌دلیل مأموران محل کار مظنون را بررسی کردند و با بررسی دوربین‌های مداربسته مصالح‌فروشی متوجه شدند مرد طلافروش در دفتر کار متهم بوده و حتی صحنه مرگ او نیز ثبت شده است.

وقتی همه چیز فاش شد، مرد مصالح‌فروش به ربایش و قتل مرد طلافروش اعتراف کرد و گفت: من از مدت‌ها قبل این مرد را تحت نظر گرفتم. او بسیار ثروتمند بود. می‌دانستم هر روز چه ساعتی به مغازه می‌آید و چه ساعتی برمی‌گردد. من بدهکار بودم و از طرفی اعتیادم به مواد مخدر مشکلاتی برایم درست کرده بود. می‌خواستم یکباره پول‌دار شوم. به‌همین‌دلیل تصمیم به سرقت از مرد طلافروش گرفتم. طبق نقشه‌ای که کشیده بودم یک تصادف صوری ترتیب دادم. ماشینم را به خودروی مرد طلافروش کوبیدم. بعد به او گفتم مدارکم در محل کارم مانده است. با هم به مغازه من آمدیم و من در فرصت مناسب دست و پای او را بستم و داخل یک اتاق انداختم. دهانش را هم بستم تا فریاد نزند. بعد کلید گاوصندوق و مغازه او را برداشتم و به جواهرفروشی رفتم. هر چه طلا بود برداشتم و البته دوربین‌های مغازه را هم کندم تا فیلمی از من ضبط نشود.

متهم گفت: مقتول ۲۴ ساعت در دفتر من ماند و زمانی که برگشتم متوجه شدم او مرده است. چسبی که به دهانش زده بودم باعث شده بود خفه شود. وقتی جسد را دیدم دیگر چاره‌ای نداشتم به‌جز اینکه آن را از دفتر خارج کنم. اره آوردم و پاهای مقتول را بریدم. سپس جسدش را داخل ماشین گذاشتم و از دفتر خارج کردم. بعد از اعترافات متهم و با توجه به مدارک موجود در پرونده، کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه ارسال شد. متهم در شعبه ۴ دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفت. در ابتدای جلسه اولیای‌دم درخواست قصاص کردند و گفتند حاضر به گذشت نیستند. در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت. او اتهام قتل و سرقت را قبول کرد و گفت: برای اینکه یک‌شبه به پول برسم این کار را کردم و پشیمان هستم. با پایان جلسه دادگاه قضات وارد شور شدند. آنها مرد مصالح‌فروش را در قتل عمدی، سرقت اموال و تخریب اموال مقتول و همچنین ایراد صدمه عمدی غیرمؤثر در مرگ مقتول و جنایت بر میت مجرم تشخیص دادند و او را به یک بار قصاص، ۱۳ سال حبس و شلاق و پرداخت دیه محکوم کردند.

آزادی مردی که همسرش را کشت

شرق: مرد بیمار که همسرش را به دلیل حرف‌هایی که پشت‌سرش زده می‌شد به قتل رساند، با رضایت اولیای‌دم از قصاص نجات پیدا کرد.

به گزارش خبرنگار ما، این مرد که در زندان به سرطان خون مبتلا شده است، وقتی برای محاکمه به لحاظ جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه ایستاد، گفت: سه سال و چهار ماه قبل من همسرم را به قتل رساندم. من عاشق او بودم و تازه عقد کرده بودیم، اما مردم پشت‌سر زنم خیلی حرف می‌زدند و می‌گفتند او با فردی رابطه دارد. من خیلی ناراحت می‌شدم. ما مدت‌ها بود سر این مسئله با هم درگیری داشتیم. یک روز قبل از حادثه یکی از نزدیکانم به من گفت همسرم را با مردی در خیابان دیده است. از شنیدن این موضوع خیلی ناراحت شدم. روز حادثه در خانه در حال استراحت بودیم که سر این مسئله با همسرم صحبت کردم و گفتم نباید کاری کند که دیگران درباره‌اش این‌طور صحبت کنند. جروبحث بین ما بالا گرفت. همسرم با عصبانیت با من صحبت کرد. او حرف‌هایی زد که خیلی من را ناراحت کرد و گفت دیگر به من ربطی ندارد او چطور زندگی می‌کند و می‌خواهد از من جدا شود. من که کنترلم را از دست داده بودم، با آجری که کنار در بود همسرم را زدم که باعث مرگش شد.

متهم در پاسخ به این سؤال که چرا آجر در خانه داشت، گفت: تکه‌ای آجر برای اینکه در بسته نشود کنار در اتاق گذاشته بودیم. دستم را انداختم و آن را برداشتم و به سر زنم کوبیدم. باور کنید نمی‌خواستم او را بکشم. متهم از سختی‌های زندگی در زندان گفت و از دادگاه خواست که در مجازاتش تخفیف قائل شود. او گفت: زمانی که بازداشت شدم یک کارگاه تولیدی داشتم و ۱۶ نفر در آن کارگاه کار می‌کردند و نان می‌خوردند. من مردی ثروتمند بودم. با اینکه خیلی جوان بودم، اما پول زیادی داشتم و مرد موفقی بودم. با کاری که کردم، هم خودم را بدبخت کردم و هم خانواده‌ام سختی زیادی کشیدند و هم اینکه خانواده همسرم را سیاه‌پوش و بیچاره کردم. از همان ابتدای جوانی من مشکل کم‌خونی داشتم و دارو استفاده می‌کردم. وقتی که زندانی شدم، بیماری‌ام پیشرفت کرد. دکتر زندان گفت روند درمان در زندان امکان‌پذیر نیست و من هر دو ماه برای تزریق خون به خارج از زندان منتقل می‌شدم. داروهای خاصی هم می‌خوردم، اما باز هم بیماری‌ام تشدید شد. با هر سختی‌ای شده بود، به بیمارستان می‌رفتم و خون تزریق می‌کردم. آخرین‌باری که به بیمارستان رفتم، دکترها گفتند دیگر تزریق خون هم فایده‌ای ندارد و بیماری‌ام تشدید شده است. متهم که پوست و صورتی کاملا زرد داشت و ظاهرش نشان می‌داد بیماری خاصی دارد، ادامه داد: آخرین‌باری که پزشکان من را معاینه کردند گفتند به شیمی‌درمانی نیاز دارم و بیماری‌ام به سرطان خون تبدیل شده است. در ادامه، وکیل متهم در جایگاه قرار گرفت. او گفت: همه ما در جریان سختی‌های درمان در زندان هستیم. موکل من شرایط بسیار خاصی دارد و گاهی امکان اعزام به‌موقع از زندان به بیمارستان وجود ندارد، ضمن اینکه بیماری او بسیار سخت است و به مراقبت در خانه و بیمارستان نیاز دارد. بیماری او تبدیل به سرطان خون شده که سرطان خطرناکی است. با توجه به اینکه موکل من سه سال و چهار ماه است که در زندان به‌سر می‌برد، درخواست دارم با آزادی او موافقت شود. با پایان جلسه دادگاه، قضات شعبه ۲ برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند و متهم را به تحمل سه سال و چهار ماه حبس محکوم و متهم را در همان روز آزاد کردند.

اعتراف سارقان به خالی‌کردن ۱۰۰ کارت بانکی

شرق: اعضای باندی که در پوشش سوپرمارکت یا با عنوان فروشنده دوره‌گرد اقدام به برداشت ۲۸ میلیارد ریال از حساب صد نفر در استان‌های مختلف کرده بودند، دستگیر شدند.

کارآگاهان پلیس آگاهی استان البرز چندی قبل از فعالیت باندی که به‌صورت گسترده اقدام به پول‌شویی، کلاهبرداری و جعل کارت‌های بانکی می‌کردند، مطلع شدند و شناسایی اعضای باند در دستور کار قرار گرفت.

مأموران با اقدامات پلیسی و رصد فعالیت‌های این باند پی بردند یکی از اعضای آن که از متهمان تحت تعقیب پلیس آگاهی در چند استان است، با اجاره مغازه در استان‌های هم‌جوار استان البرز یا به‌عنوان فروشنده دوره‌گرد با همکاری تعدادی دیگر روی دستگاه کارتخوان اسکمیر نصب می‌کنند و اطلاعات کارت‌های عابربانک خریداران را سرقت و سپس اطلاعات کارت‌ها را روی کارت‌های خام کپی و با خرید لوازم لوکس و گران‌قیمت یا سکه و طلا اقدام به تخلیه حساب مشتریان می‌کنند. در ادامه با اقدامات گسترده پلیسی، همه مرتبطان و اعضای باند و آدرس محل فعالیت و سکونت آنها شناسایی شد و این افراد تحت مراقبت‌های شبانه‌روزی قرار گرفتند. سپس با هماهنگی مقام قضائی تیم‌های عملیاتی وارد عمل شدند و پس از اطمینان از حضور متهمان در مخفیگاه‌شان در یک عملیات غافلگیرانه شش نفر از اعضای باند را دستگیر و در بازرسی از محل یک دستگاه پوز به همراه اسکیمر، چاپگر کارت عابربانک، پرینتر رنگی، اسکنر، ۱۸ عدد کارت عابربانک به نام اشخاص مختلف، ۱۶۰ عدد کارت عابربانک خام و تعدادی اموال خریداری‌شده از طریق پول‌شویی شامل ۹ عدد ساعت به ارزش ۴۵۰ میلیون ریال، طلا و جواهر به ارزش ۵۰۰ میلیون ریال، تعداد زیادی لوازم منزل و مبلغی پول نقد کشف و به همراه متهمان به پلیس آگاهی منتقل کردند.

متهمان دستگیرشده در بازجویی‌های کارآگاهان، ابتدا منکر هر گونه جرمی شدند اما با توجه به اسناد و مدارک موجود و با توجه به سابقه‌داربودن تعدادی از اعضای باند در نهایت به جرم خود مبنی بر کلاهبرداری و کپی از صد کارت بانکی و ساختن مجدد کارت و خالی‌کردن موجودی آنها به مبلغ بالغ بر ۲۸ میلیارد ریال اعتراف کردند.

سرهنگ «محمد نادربیگی»، رئیس‌پلیس آگاهی استان البرز، با تأیید این خبر گفت: پس از شناسایی اعضای باند و دستگیری آنها بلافاصله استعلام از شعب بانک‌ها به منظور شناسایی مال‌باختگان آغاز شد که به محض شناسایی صاحبان حساب‌ها موضوع به آنها اطلاع داده می‌شود. سرهنگ نادربیگی توضیح داد: افراد سودجو اسکیمر را در جایی نصب می‌کنند که قابل مشاهده نیست و زمان این کار مجرمانه بیش از چند ثانیه طول نمی‌کشد و فرد قربانی فقط زمانی متوجه موضوع می‌شود که از حساب او مبالغی کسر شده است؛ بنابراین اعلام رمز کارت در حضور دیگران و فروشنده می‌تواند عواقب این‌چنینی در پی داشته باشد. این مقام انتظامی توصیه کرد دستگاه کارتخوان باید در اختیار خریدار باشد تا خودش کارت را کشیده و رمز را وارد کند یا حتی‌المکان باید دستگاه در جایی نصب شود که قابل مشاهده باشد و امکان سوءاستفاده را به حداقل برساند.

تحقیق درباره مرگ زن مسن ۴ ماه بعد از فوت

شرق: تحقیقات جنایی درباره علت فوت پیرزنی مسن چهار ماه بعد از دفن او با شکایت دخترش آغاز شد. به گزارش خبرنگار ما، این زن ۷۰ساله که تنها زندگی می‌کرد، خردادماه فوت شد. دختر او وقتی برای سرزدن به مادرش به منزل او رفت، جسدش را پیدا کرد و بعد از آن کارهای کفن و دفن انجام شد. مدتی بعد دختر متوفی با مراجعه به دادسرای جنایی تهران ادعایی را مطرح کرد و گفت: مادرم تعدادی سکه داشت که همه آنها مفقود شده است و من به برادرم و همسر او مظنون هستم. بازپرس جنایی بعد از طرح این شکایت از برادر و زن برادر شاکی تحقیق کرد اما آن دو گفتند از ماجرای سکه‌ها بی‌اطلاع هستند. عروس متوفی گفت: من با داشتن دو دختر و یک پسر از ۱۵ سال قبل تنها زندگی می‌کردم. شوهر فعلی‌ام عطاری داشت و من از او برای پوستم داروی گیاهی می‌گرفتم و در رفت‌وآمدهایی که به مغازه‌اش داشتم، او و مادرش از من خواستگاری کردند و ما با هم ازدواج کردیم. در این دو سال که ازدواج کرده‌ام، هیچ مشکلی نداشتیم. من و شوهرم مرتب به مادر او سر می‌زدیم و کارهایش را انجام می‌دادیم. من همیشه برایش غذا درست می‌کردم و شوهرم داروهای او را می‌داد. یک روز قبل از فوت آن زن ما خانه او بودیم و من برایش سوپ درست کردم. بعد هم به خانه خودمان رفتیم تا اینکه مطلع شدیم او فوت شده است. ما از ماجرای سکه‌ها هیچ اطلاعی نداریم. بازپرس جنایی در ادامه از متخصصان پزشکی قانونی خواست درباره علت اصلی فوت زن مسن تحقیق کنند. این در حالی است که در گواهی فوت او علت مرگ ایست قلبی اعلام شده بود.

بنا بر این گزارش، تحقیقات در این زمینه همچنان ادامه دارد تا مشخص شود آیا موضوع مشکوکی در پرونده وجود دارد یا خیر؟

رخداد

تهدید و اخاذی در شبکه‌های اجتماعی

● **شرق:** مردی که با ریختن طرح دوستی با زنی در واتس‌اپ او را به انتشار عکس‌هایش تهدید کرده بود دستگیر شد. زنی ۳۰ساله به پلیس فتای تهران مراجعه کرد و گفت: در شبکه اجتماعی واتس‌اپ فعالیت دارم و با ایجاد صفحه‌ای لوازم بهداشتی می‌فروشم. مدتی قبل با مرد جوانی که خود را خریدار اجناس معرفی کرد آشنا شدم. او مدتی از من خرید می‌کرد و از مشتریان خوش‌حساب و ثابت بود تا اینکه بین ما علاقه‌مندی ایجاد و ارتباط کاری ما به ارتباط عاطفی تبدیل شد. آن با پیشنهاد ازدواج توانست اعتماد مرا جلب کند. در مدت آشنایی من به اشتباه و از روی حسن اعتماد برخی از تصاویر شخصی و خصوصی‌ام را برایش فرستادم ولی نمی‌دانستم پشت این چهره فردی دروغگو وجود دارد و او به قصد سوءاستفاده از من طرح دوستی را ریخته است.

شاکی در ادامه گفت: ما بعد از گذشت مدتی با هم دچار اختلاف شدیم و تازه فهمیدم که با هم فاصله فرهنگی و فکری زیادی داریم تا اینکه فهمیدم عشق و علاقه او ظاهری است. آن مرد با ارسال چند عکس خصوصی‌ام از من درخواست پول کرد و چهره اصلی او برایم نمایان شد. در ابتدا نپذیرفتم و از او خواستم دیگر رابطه کاری و عاطفی را با هم قطع کنیم اما او تهدید به انتشار تصاویرم در شبکه‌های اجتماعی کرد من هم چون در این محیط فعالیت می‌کردم و دارای اعتبار بودم، نگرانی زیادی برایم درست شد که مبادا با این حرکت متهم باعث هتک حیثیت و لطمه به اعتبار و آبرویم شود.رسیدگی به پرونده با هماهنگی دادسرای مبارزه با جرائم رایانه‌ای در دستور کار مهندسان پلیس فتا قرار گرفت. تیمی از کارشناسان پلیس تحقیقات خود را آغاز کردند و متهم را که مردی ۲۸ساله بود، شناسایی و به پلیس فتا احضار کردند. متهم با قرارگرفتن در برابر ادله‌های پلیس لب به اعتراف گشود و گفت: وقتی فهمیدم شاکی فعالیت خوبی دارد و اعتبار بالایی در بین مخاطبانش دارد با او در پوشش خریدار ارتباط گرفتم، پس از مدتی ارتباط کاری توانستم ارتباط عاطفی با او برقرار کنم، با گذشت مدتی توانستم تعدادی عکس شخصی از او بگیرم و سپس اقدام به تهدید و اخاذی از وی کردم، اما از کارم بسیار پشیمانم و درخواست بخشش دارم.به گفته سرهنگ تورج کاظمی رئیس پلیس فتای تهران بزرگ این پرونده پس از تکمیل به همراه طرفین به دادسرای مبارزه با جرائم رایانه‌ای ارسال شد.